

## نهضت‌هایی در راه نجات توده‌های ضعیف و محروم...

بهترین و کامل‌ترین نمونه « نهضت آزادیبخش »، نهضت‌هایی است که بدست پیامبران بزرگ الهی بنیان‌گذاری شد، و برهبری خودآنان تکامل یافت، و آزادی و آزادگی، فضیلت و پاکی را برای بشریت بارمغان آورد...  
... و بهمین جهت، پیش از آنکه نقش مهم و ارجدار اسلام را در نهضت‌های رهائی بخش توده‌ها بررسی نمائیم، پیرامون « نهضت‌های انبیا » و موقعیتی که اصل « آزادی انسانها » در اصول اهداف نهضت‌های آنان داشته است، با نهایت اختصار، بحث کوتاهی میکنیم ..

در محیط‌هایی که شیوع فساد و گناه، اجتماع را بسوی انحطاط کامل پیش می‌برد، یا وجود فاصله‌های طبقاتی عمیق و هولناک جامعه را بسقوط حتمی و قطعی محکوم ساخته بود، و توده مردم در زیر فشار استبداد دستگام‌های ستمگر، و تعدی و تجاوز طبقه اشرافی فاسد - با تحمل رنج و ناراحتی توان فرسا و با محرومیت از همه مزایای اجتماعی و حقوق انسانی - در کمال عسرت و سختی روزگار میکذارانیدند، در چنین زمینه‌های بسیار حساس، مردانی الهی با اراده‌هایی آهنین و خلل‌ناپذیر قیام کردند...  
پیامبران، مصلحین بزرگ اجتماعی « انقلابیها »ی سرسخت و مصمم، و پدید آورندگان بزرگترین حوادث تاریخ بوده‌اند. که ازدل ملت‌ها و توده‌ها برخاستند و با ظلم و بیدادگری قدرتهای مستبد و خود رای روزگار خود، تعدی و تجاوز طبقات خوشگذران، و با مفاسد اجتماعی و اخلاقی و انحرافات عقیدتی مبارزات پی گیر و سختی را آغاز و دنبال کردند. و با فداکاریها و جان‌بازی - های حیرت‌انگیز، و قبول انواع مخاطرات و رنج‌ها، آخرین حد تلاش و کوشش ممکن را در راه بوجود آوردن اجتماعات سالم، پاک و نمونه - در سایه نخستین و عالی‌ترین اصل نهضت‌های الهی خود: « توحید و یکتا پرستی » - انجام دادند.

بنیانگذاران بزرگ مذاهب - بگفته آقای نهر - « مردان بزرگ انقلابی ، بودند که از حمله بردن بوضع فاسدی که در زمانشان وجود داشت ، باکی نداشتند . و همواره تلاش می- کردند که زندگی بهتر و مطلوب تری برای مردم روزگار خود بوجود آورند ، و از تیره روزی آنان بکاهند ، بملاوه آنان نمونه ای از يك زندگی شرافتمندانه در برابر مردم روزگار خود قرار میدادند . بطوریکه سرمشق آنان تا سالهای سال ، صورت يك ایدآل عمومی بخود می گرفت . و الهام بخش يك زندگی عالی میشد (۱)

### آزادی در مکتب انبیاء

بطوریکه از آیات قرآن کریم - که در آن بمناسبت های مختلف ، از پیامبران و نهضت های آنان یاد شده ؛ و پاره ای از اوصاف و اهداف قیام های الهی ایشان بیان گردیده است - استفاده میشود ، « آزادی ملت ها ، و مبارزه بادیکتاتوری و زور گوئی فرمانروایان خود را می و مغرور روزگار ، و قدرتهای مختلفی که آزادی فکری و علمی را از توده ها سلب کرده ، و آنان را در قید و بند اسارت و استثمار خود آورده بودند ، از هدف های اصلی و اساسی ، و بلکه مبنا و پایه نهضت های انبیاء بوده است .

قرآن کریم در توصیف پاره ای از نهضت های پیامبران ، تصریح میکند که این قیامها در برابر زورگویان و مستبدان آن دوره انجام گرفته ، و در هم شکستن قدرت آنان از اهداف نهضت پیامبران بشمار میرفته است قیام الهی «هود» - پیامبر خدا - از این جمله بود (۲)

موسی - پیامبر بزرگ - روزیکه در برابر قدرت فرعون مصر قیام کرد ، و دعوت الهی خود را عرضه داشت ، نخستین تقاضائی که نمود ، و بر نامه و خط سیر آینده نهضت خود را بر اساس آن روشن ساخت ، آزادی طبقه ضعیف و زحمتکش مصر - بنی اسرائیل - و قطع هر گونه تجاوز و تهمیض نسبت بآنان بود (۳)

وعیسی (ع) در نخستین برخورد خود بامردم - پس از رسیدن بمقام پیامبری - بر نامه نهضت مقدس خویش را - بنقل اناجیل موجود - آزاد ساختن اسیران ، و نجات مردم ذلیل و سرکوب شده بیان فرمود (۴)

از قرآن کریم ، آنجا که اهداف جهانی رسول اکرم (ص) بیان و ذکر گردیده است ، « آزاد ساختن انسانها ، از هر قید و بندی که مانع وسد راه تکامل و ترقی و پیشرفت همه

۱ - نگاهی بتاریخ جهان . جلد اول صفحه ۹۱ .

۲ - سوره هود . آیه ۶۳ - ۳ - سوره طه ، آیه ۴۷

۴ - انجیل لوقا ، باب چهارم ، عبارت ۱۸

جانبه آنان باشد ، و برداشتن و پاره کردن هر زنجیری که بنا حق بردست و پای آنان نهاده شده باشد ، در شمار اصول اهداف و آرمانهای این نهضت مقدس ذکر گردیده است (۱)

### درازه نجات توده‌های ضعیف :

نہضتهائی که انبیاء و پیامبران بزرگ بنیاد نهادند ، در راه نجات طبقات ضعیف اجتماع ، و انفاء امتیازات طبقاتی ، و بطور خلاصه نہضتهائی در راه رهایی بخشیدن قشرهای ضعیف و ناتوان از تعدی و ستم اشراف و زورمندان آن دورانها بود . نظری بخصوصیات و مشخصات اجتماعی و فردی گروههایی که با انبیاء می‌گرویدند ، و از نہضتهای آنان جانبداری و حمایت نموده ، در صف انقلاب جامی گرفتند ، و نظر دیگری بگروههای مخالف و ضدانقلابی ، و دقت در مشخصات افراد این گروهها ، برای روشن ساختن و اثبات این مدعا کافیت .

اصولاً نہضتهائی که موجود تحولات و دگرگونیهای درسیستم طبقاتی اجتماع ، و موجب بهم خوردن نظام موجود جامعه باشد ، بهمان مقیاس که طرفداران ، پیروان و معتقدینی خواهد داشت ، با قشرهای ضد انقلابی و مخالفی روبرو میشود که برای حفظ وضع موجود ، و درهم شکستن و سرکوب کردن نہضت‌ها از هیچ کوشش و تلاشی خودداری نمیکنند . و باین دلیل که هر تغییری بزبان آنان تمام شده ، و منافع و مصالح ایشانرا بخطر میافکند ، در صف اول مخالفان هر تحولی خواهند بود که بسود طبقات ضعیف و محروم در جامعه صورت پذیرد .

معمولاً در هر جامعه‌ای دو طبقه متمایز وجود دارد ، که افراد آن دو از نظر خصوصیات و مشخصات ، کاملاً در دو قطب مخالف یکدیگر قرار میگیرند : طبقه ثروتمند ، سرمایه‌دار اشرافی و ممتاز و طبقه ضعیف ، فقیر ، ناتوان ، زحمتکش و رنجبر .

طبقه اول نوعاً دارای روحیات مخصوصی هستند که از فقدان اجتیاجات مادی و هدفهای اجتماعی سرچشمه میگیرد افراد این قشر اجتماع بدلیل در اختیار داشتن همه گونه امکانات و وجود شرایط مساعد ، هیچگونه نیازی بکار و کوشش و فعالیت‌های سنگین و سخت و مولد ندارند و بگفته یکی از نویسندگان معاصر (۲) فقدان کوششهای درونی - که تنها عامل رشد استعدادهاست - موجب این میشود که قشر مزبور ، از لحاظ درک اجتماعی در مرحله نازل تری قرار داشته باشد اما طبقه فقیر - که در اثر شرایط استثماری دست و پایش بسته شده ، و امکاناتش بحد اقل

۱ - سوره اعراف ، آیه ۱۵۷ .

۲ - آقای دکتر مهدی بهار در مقاله « مقدمه‌ای بر تجزیه و تحلیل مشکلات نسل جوان »

مجله فردوسی .

تنزل یافته است - برعکس طبقه اول ، باید جمیع مشکلات طاقت فرسا را از راه کوششهای شخصی ، و پرورش دادن استعدادهای فهم و درک و فداکاری و از خود گذشتگی ، و همچنین از طریق کارجانفرسا ، از میان بردارد ، بدیهی است که روحیات این طبقه در جهت متضاد روحیات طبقه اول قرار دارد .

روحیات گروه نخستین - بمقتضای فقدان هدفهای شخصی و اجتماعی انسانهای فعال که ناشی از عدم احتیاج مادی است - در اصرار بر حفظ وضع و شرائط و مقتضیات و خصائص موجود جامعه خلاصه میشود . طبعاً فردی که با استفاده از نظام ظالمانه جامعه ، زندگی اشرافی و مجللی برای خود بوجود آورده است ، بخاطر داشتن فکر منحط و کوتاه ، در مواجهه باموج نهضت ها بجای اینکه کوشش نماید خود را با شرائط نهضت وفق داده ، از سقوط کامل خویش جلوگیری کند ، بمخالفت بانبروهای انقلابی بر می خیزد . وطبیعی است که شنا کردن در خلاف جهت جریان آب ، سرانجام شنا کننده را در میان امواج مثلاًطم غرقه میسازد ، و بحیر زمان ، جامعه ایدآل انقلاب بر ویرانه تشکیلات و بساط اشرافی او بنیاد میگردد .

دربار بزرگ چنین انسانی که از لحاظ اقتصادی : مصرف کننده ، از لحاظ اجتماعی : زیان خیز ، از لحاظ سیاسی : ضد ملی ، و از لحاظ ایدئولوژیک : پیرو منحنط ترین و ارتجاعی ترین فلسفه اجتماعی و طرفدار اصل اختلافات و امتیازات فردی و طبقاتی است ، انسانهای طبقه زحمتکش قرار دارند که در اثر غارت های استثمار و طبقاتی اجباراً ب باید جمیع انرژیهای درونی خود را در راه نیل به هدفهای کوچک معشیت روزانه بمصرف رسانند . .

این طبقه که بمناسبت احتیاجات خود ، مستهلک در جامعه ، و از حداعلای احساس اجتماعی برخوردار ، و از تمام زیر و بم های جامعه متأثر است ، از لحاظ ماهیت ملی و ضد استعمار و مدافع و پیرو نهضت های اصلاحی اجتماعی است . فقط این طبقه است که میتواند پایگاه واقعی عملیات آزادیخواهانه برای نجات ملت های ضعیف و محروم باشد . . . .

و بهمین دلیل صفوف پیروان انبیاء و طرفداران نهضت های آنان را ، همین افراد - که بظاهر فاقد هر گونه قدرت و توانائی اجتماعی بودند - تشکیل میدادند . و اشراف و طبقه ممتاز جامعه - همیشه در صف مقابل انقلاب جا داشتند و باتمام قوا برای کوبیدن پیامبران و پیروان آنان فعالیت میکردند و تلاش می نمودند هر نهضت اصلاح طلبانه را - پیش از آنکه نفع بکیرد و «موجی» بوجود آورد - در نطفه خفه کنند .

ذکر مشخصات طرفداران و مخالفان چند نمونه از نهضت هایی که در قرآن کریم وصف شده

است ، برای اثبات این مطلب کافی بنظر میرسد :

در نهضت الهی «نوح» - پیامبر بزرگ خدا - مخالفان انقلاب او «فروما یگانی پست» از طبقه اشرافی ، خوشگذران و متنعم اجتماع بودند (۱) که پیروان نوح را - که از طبقات پائین و محروم اجتماع بشمار میرفتند - « فروما یه و پست» میخواندند (۲) . و بر مبنای اصل امتیاز طبقاتی بنوح میگفتند که: چون افراد ضعیف جامعه پیروان تورا تشکیل میدهند ما بتو ایمان نمیآوریم ! (۳)

در نهضت «هود» کسانی که باقیام اصلاح طلبانه او مخالفت میکردند ، اشرافی بودند که کاخهای عظیم بر فراز کوهها بنامینهادند ، تأسیسات بزرگ و مهمی برای خود میساختند ، و در سلوک اجتماعی مانند ستمگران تند رفتار و پر خاشجو بودند ، و باغها و چشمه سارها و ثروت فراوان داشتند . (۴)

مخالفان انقلاب «صالح» نیز ثروتمندان و اشرافی بودند (۵) که از کوهها برای خودخانه ها و کاخهای رفیع میتراشیدند (۶) و کشتزارهای وسیع ، و تاکستانها و بوستانها ، چشمه سارها و بطور خلاصه ثروت کفورد در اختیار آنان بود (۷) و پیروان او - طبق معمول - گروهی از افراد طبقه پائین و ضعیف اجتماع بشمار میرفتند (۸) .

با «شعیب» نیز زورمندان اجتماع و طبقه اشراف بمخالفت برخاستند . و حتی تهدید کردند که او و پیروانش را از سرزمین خود تبعید و اخراج یاسنگسار کند (۹) ولی بجهت موقعیت خانوادگی و اجتماعی خود او ، خود داری کردند (۱۰) . و از اینجا معلوم میشود که در میان طرفداران و پیروان نهضت اصلاحی (۱۱) شعیب ، از طبقات بالا و ممتاز اجتماع و باصطلاح «از نجباء قوم» ! کسی نبوده است . و همه از طبقه ضعیف بوده اند .

نهضت «موسی» که اصولاً نهضت طبقه ضعیف ، ستم زده و زجر کشیده علیه طبقه ستمگر و استعمار کننده بود . و طبقاً صفوف طرفین کاملاً مشخص و متمایز است . بنقل اناجیل ، مخالفان عیسی نیز «پول پرستان» و «زردوستان» اجتماع بوده اند (۱۲)

در انقلاب مقدس رسول اکرم (ص) بزرگ ترین دشمنان نهضت ، اشراف و ربا - خواران مکه بودند (۱۳) که متقابلاً پیامبر اکرم نیز در هم شکستن و فرو پیچیدن بساط زور گوئی

- (۱) سوره مؤمنون ، آیه ۲۵ . (۲) سوره هود ، آیه ۳۰ . (۳) سوره شعراء ، آیه ۱۱۲ . (۴) سوره شعراء آیه ۱۲۹ تا ۱۳۵ .  
 ۵- سوره مؤمنون ، آیه ۳۵ . ۶- سوره حجر ، آیه ۸۳ . ۷- سوره شعراء آیه ۱۴۸ تا ۱۵۰  
 اعراف ، آیه ۷۳ . ۸ - سوره اعراف آیه ۷۴ . (۹) سوره اعراف ، آیه ۸۷ . (۱۰) سوره هود ، آیه ۹۴ . ۱۱- سوره هود ، آیه ۹۱ . ۱۲- انجیل لوقا ، باب شانزدهم ، عبارت ۱۵ . (۱۳) سوره قلم آیه : ۱۵

و تجاوز آنرا در سرلوحه اقدامات قیام الهی خود قرار داد . و با همان عده قلیل پیروان خویش - که تقریباً همه ، افراد ضعیف و از طبقه پائین اجتماع مکه بودند - بکمک یارانی که در مدینه بحضرتش پیوستند ، با هدف بزرگ نائل گردید . و امتیازات طبقاتی را - در یک مقیاس وسیع - از میان برداشت

و بدین ترتیب می بینیم که در همه نهضت‌های الهی ، این توده ضعیف و فقیر بود که بصوف انقلاب می پیوست ، طبقه زورمند و خوشگذران همیشه با نهضتها بمخالفت برمی خاستند ، و سدره پیشروی و تحقق اهداف قیام‌های پیامبران خدا بودند (۱۰)

در موارد بسیاری ، مخالفت اشراف و طبقه زورگو و استثمار کننده اجتماع ، سر انجام بتصادم و نبرد مسلحانه دوجبهه منتهی میشد (۱۱) و پیامبران و پیروان آنان با این گروه ضد انقلابی «انگلهای اجتماع» در مبارزه خونین و اجتناب ناپذیری روبرو میشدند . این مبارزات کاملترین نمونه های «نبرد آزادپیشخ» و پیکار در راه آزادی «انسانها» و رهایی «توده های ضعیف و محروم» است .

... و کأین من نبی قاتل معه ربيون كثير ، فما وهنوا لما اصابهم في سبيل الله ، وما ضعفوا وما استكانوا . . . والله يحب الصابرين (۱۲)

(۱۰) سوره سبا ، آیه ۳۴ . و سوره زخرف ، آیه ۲۳ . در سوره یونس آیه ۹۸ تنها قوم یونس از این قاعده کلی استثناء شده است . (۱۱) نهضت‌های انبیاء از جلال الدین فارسی ، ص ۷۷ . (۱۲) سوره آل عمران ، آیه ۱۴۱ .

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رساله جامع علوم انسانی

از : سید محمد حسین شهریار

### سلمان و سلیمان

که گر کافرستی مسلمان شوی  
که ایمان بیابی و سلمان شوی  
بملك دو عالم سلیمان شوی

سستم واگذارو کرم پیشه کن  
مسلمان شدی دست افتاده گیر  
باحسانت ایمان چو تووا شود